مقدمه‌ی کتاب «ره‌بَری پروانه‌ای»

ده اصل ره‌بَری، از پیله تا پرواز با دیگران

نسخه A2F – فروردین ۱۴۰۴

از مهرداد مظفری

> «من از نهایت شب حرف می‌زنم

اگر به خانه‌ی من آمدی، برای من ای مهربان، چراغ بیاور

و یک دریچه که از آن

به ازدحام کوچه‌ی خوشبخت بنگرم...»

فروغ فرخزد

چه کسی واقعاً ره‌بر است؟

آیا آن‌که در جایگاه قدرت نشسته و امضاهای مهم می‌زند؟

یا آن‌که بدون مقام رسمی، اما با حضوری اثرگذار، جان‌ها را روشن می‌کند؟

آیا رهبری در فرمانروایی است یا در هم‌قدمی؟

در دستور دادن است یا در چراغ شدن؟

من باور دارم ره‌بَری، یک عنوان نیست؛ یک صفت است.

صفتی که نه با ابلاغ، بلکه با انتخاب آغاز می‌شود.

ره‌بَری یعنی خودت را بهتر ببینی، پیش از آنکه بخواهی راهی به دیگران نشان دهی.

ره‌بَری اگر از خود آغاز نشود، از هیچ‌کجا آغاز نخواهد شد.

این جمله، جرقه‌ی نگارش این کتاب شد؛

اما جرقه‌ای که در تاریکی یک ورشکستگی بزرگ روشن شد.

زمانی که از دل فروپاشی کسب‌وکارم برخاستم،

نه با ادعا، بلکه با نیاز به بازآفرینی.

آن‌جا فهمیدم که بزرگ‌ترین ره‌بَری، رهبریِ دوباره‌ی خویشتن است.

ره‌بَری چیست؟ و چه نیست؟

ره‌بَری، نقشه کشیدن برای دیگران نیست؛ پیمودن صادقانه‌ی مسیر همراه با آن‌هاست.

ره‌بَری، فقط هدایت نیست؛ گوش سپردن، دیدن، و پذیرفتن است.

ره‌بَری در واژه‌ها نیست، در سکوت‌های معنادار است؛

در نگاه‌هایی که به‌جای داوری، به درک می‌نشینند.

من این را از مدیریت آموختم؛

در میدان صنایع نفت، پتروشیمی، خودرو، فولاد و بازارهای مالی

در هیئت‌مدیره‌هایی که قدرت حضور داشت، اما گاهی صمیمیت نه

در بحران‌هایی که قدرت حل نمی‌کرد، ولی انسانیت چرا

و حالا، در دهه‌ی پنجاه زندگی، در جایگاه مشاور، کوچ ره‌بَری و مدرس توسعه فردی،

می‌خواهم چیزی فراتر از دانش و تجربه به شما بدهم:

دعوتی به شناخت عمیق‌تر خویش، و آغاز سفر ره‌بَری از درون.

ده اصل؛ ده آینه؛ ده رستاخیز

این کتاب، درباره ده اصل ره‌بَری‌ست.

اما نه به‌صورت لیستی خشک از توصیه‌ها، بلکه به‌شکلی زنده و انسانی.

هر اصل، یک دوگانه‌ی معنابخش دارد:

راهنما یا فرمانروا؟

سازنده یا بازنده؟

عامل یا قائل؟

خلاق یا کلاف؟

و...

هر فصل، شما را با پرسش‌هایی درگیر می‌کند که نه پاسخ فوری دارند، نه نسخه‌ی حاضر؛

بلکه آینه‌ای هستند برای دیدن، سنجیدن، و تصمیم گرفتن درباره‌ی خودتان.

ره‌بَری پروانه‌ای: از پیله تا پرواز

در دل هر انسان، پیله‌ای‌ست—پیله‌ای از ترس، عادت، و باورهای فرسوده.

ره‌بَری، هنرِ شکافتن این پیله است.

نه با شعار، بلکه با صداقت

نه با عجله، بلکه با صبر

نه برای بالا رفتن، بلکه برای به پرواز درآوردن دیگران

ره‌بَری یعنی بتوانی بال بگشایی،

و از رنج پیله، دیگرانی را به رهایی دعوت کنی.

این کتاب، تلاشی است برای این تحول تدریجی؛

برای ره‌بَری از خویشتن، نه از میز.

سخن پایانی: چراغ و دریچه

این کتاب، برای کسانی است که می‌خواهند ابتدا خویش را ببرند،

بعد دیگران را همراه کنند.

برای آنان که «رشد» را جایگزین «رسم» کرده‌اند.

و باور دارند که ره‌بَری، پیش از آن‌که مهارتی بیرونی باشد،

پویشی درونی است.

و در این سفر،

اگر با صداقت و صبر پیش بروی،

شاید—همان‌طور که فروغ گفت—

چراغی شوی برای دیگری،

و دریچه‌ای به کوچه‌ی خوشبخت.

مهرداد مظفری

تصمیم‌پژوه، مشاور و کوچ ره‌بَری

فروردین ۱۴۰۴ – نسخه A2F